



# مشکل اقتصاد ایران، رکود تورمی است

گفت و گو با دکتر مهدی تقوی - کارشناس مسائل اقتصادی و استاد دانشگاه

اشاره:

دکتر تقوی اعتقاد دارد که دولت باید اجازه دهد بانک‌ها نرخ بهره را متعادل کنند و آنها به بنگاه‌ها وام دهند. کار را باید به دست کاردان سپرد. وی پیشنهاد کرد که با حضور تعدادی از فارغ التحصیلان توانمند رشته اقتصاد «شورای مشاوران اقتصادی» راه اندازی شود. این کارشناس مسائل اقتصادی خاطر نشان می‌سازد: مشکل بزرگ ما این است که سرانه مطالعه برخی از اساتید دانشگاه بسیار اندک است اما به اظهار نظر در مورد مسائل اقتصادی می‌پردازند! اساتید دانشگاه باید به صورت مداوم در رشته خود مطالعه انجام دهند و پله‌های ترقی را به تدریج ببیمایند. وی تحولات اقتصادی به شرط آماده بودن شرایط را مثبت قلمداد می‌کند و معتقد است: یارانه‌ها باید نقدی و هدفمند شوند البته این امر زمانبر است. یعنی ابتدا باید پیش‌نیازها توسط دولت تعیین شوند. به گفته دکتر تقوی، اقتصاد ایران وابسته است زیرا تمام مواد اولیه مورد نیاز واحدهای تولیدی از خارج کشور تأمین می‌شود. با دلار ۹۷۰ تومانی، قیمت هزینه نهایی روند صعودی می‌یابد و در مقابل منحنی عرضه نزول پیدا می‌کند. در این صورت رکود تورمی ایجاد می‌شود و تنها راه نجات از رکود تورمی، کاهش اتکا به واردات است. باید به جای ارائه طرح‌های نیمه‌تمام و بی‌فایده به دنبال یافتن حلقه‌های مفقوده صنایع باشیم و به جای واردات بی‌رویه در داخل کشور به تولید مواد اولیه بپردازیم.

متن کامل این گفت و گو از نظراتان می‌گذرد:

ایران دارای فرصت‌های بسیار استفاده نشده است. برای مثال در بحث گیاهان دارویی می‌توان با یک سرمایه‌نخرد ارزش افزوده بالایی ایجاد نمود یا در صورت بسته بندی مناسب در استفاده از محصولات غذایی و میوه اسراف نمی‌شود و با قیمت مناسب به دست مصرف‌کننده می‌رسد. پس در داخل کشور فرصت‌ها و منابع متعددی در اختیار داریم. با این اوصاف به نظر شما این فرصت‌ها در قالب بنگاه‌های کوچک و زودبازده قابل اجرا است؟

بله، اما تجربه وام ۳ میلیون تومانی را داریم که فایده‌ای در برنداشت و برای کشور سودی در بر نداشت. ۵۰ درصد GDP ایران به بخش خدمات اختصاص دارد که از این نظر با آمریکا مساوی است در صورتی که اقتصاد ایران بیمار و اقتصاد آمریکا سالم است. آمریکا به سطح درآمد سرانه ۵۰ هزار دلار رسیده است، مردم آمریکا محصولات تولید داخلی را خریداری می‌کنند و این درآمد بالا صرف خرید خدمات می‌شود؛ اما در ایران با ۱۵۰۰ دلار درآمد سرانه هنوز نیازهای اولیه حل نشده است.

**پس توسعه بنگاه‌های کوچک و زودبازده اگر برای بازار مصرف داخلی و بدون کیفیت باشد؛ فایده‌ای ندارد؟**

بله، طبق تحقیقاتی که در سال ۱۳۵۶ انجام دادیم،

به بازارهای تولید منابع مالی تزریق کنیم آن هم با بهره کمتر از تورم. به عقیده شما در رکود تورمی منابع مالی باید توسط چه کسانی تزریق شود؟

دولت باید اجازه دهد بانک‌ها نرخ بهره را متعادل کنند و آنها به بنگاه‌ها وام دهند. وزارت کار اگر می‌تواند نرخ بهره را متعادل سازد، کار را باید به دست کاردان سپرد. پیشنهاد می‌کنم با حضور تعدادی از فارغ التحصیلان توانمند رشته اقتصاد «شورای مشاوران اقتصادی» راه اندازی شود. مشکل بزرگ ما این است که سرانه مطالعه برخی از اساتید دانشگاه بسیار اندک است اما به اظهار نظر در مورد مسائل اقتصادی می‌پردازند! اساتید دانشگاه باید به صورت مداوم در رشته خود مطالعه انجام دهند و پله‌های ترقی را به تدریج ببیمایند.

**در دولت آقای خاتمی، بحث وام‌های ۳ میلیون تومانی مطرح شد تا موجب افزایش اشتغال شود اما دولت نهم معتقد است این امر کاربردی نیست و بحث بنگاه‌های کوچک و زودبازده را مطرح کرد، در دنیا حدود ۷۰ درصد تجارت‌های موجود، کوچک و زودبازده هستند، این نکته را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

۷۰ درصد مساله مهمی نیست زیرا ۱۰ درصد تجارت‌های موجود، GDP اقتصاد را تولید می‌کنند.

بانکداری نیست! باید بازار مالی که بانک و بورس است بتواند به بخش صنعت، کشاورزی و کارآفرینان خون تازه بیخشد. وقتی نتوانند این کار را انجام دهند هیچ کاری پیش نخواهد رفت. دولت برای بانک‌های خصوصی نیز مقررات وضع می‌کند!

اگر فرد مسکن خریداری نمی‌کند پس دلیل پرداخت وام مسکن به وی چیست؟ این امر رانت‌خواری علنی است، بازار نزول را رونق می‌بخشد و بیانگر اقتصاد ناسالم کشور است. بانک‌های قرض الحسنه را مشاهده کنید متأسفانه این بانک‌ها به محلی برای کلاه برداری تبدیل شده‌اند.

قواعد بازی باید رعایت شوند. گفته می‌شود مشروط بر این که نرخ تورم تک‌رقمی نشود، باید نرخ بهره تک‌رقمی شود. نمی‌توان با تورم ۲۸ درصدی شعار «نرخ بهره ۷ درصد» را سر داد!

شعار دولت نهم این است که در شرایط رکود تورمی، باید سمت عرضه را افزایش دهیم، دولت عنوان می‌کند باید یکسری منابع را به بخش تولید تزریق کنیم. از میلیارد‌ها تومان وام اعطا شده فقط ۱۰ درصد متعلق به بنگاه‌های زودبازده بود و بقیه وام‌هایی است که طبق روال داده می‌شود و فقط بخش کوچکی از این میزان نصیب صنعت شده است. وزارت کار و امور اجتماعی هم معتقد است «در شرایط رکود تورمی باید

**ارزیابی شما از وضعیت فعلی تورم در اقتصاد کشور چیست؟**

وقتی نرخ بهره پائین است گفته می‌شود نرخ واقعی بهره منفی است به نفع افرادی است که قادر به دریافت وام هستند زیرا در مقابل این وام‌ها نه تنها مبلغی نمی‌پردازند بلکه منابع مالی هم کسب می‌کنند. فرض کنید اگر نرخ تورم ۲۴ درصد باشد و ۱۰ درصد وام دریافت کنید در پایان سال ۱۴ درصد به نفعتان خواهد بود. فردی که در نرخ تورم ۲۴ درصد ۷ درصد سپرده گذاشته، ۱۷ درصد قدرت خرید را از دست داده است و این امر با فلسفه عدالت سازگار نیست. وقتی رجحان مصرف جاری افزایش یابد تورم ایجاد می‌شود. پس یکی از عوامل ایجاد تورم، نرخ‌های بهره پائین است. بورس اوراق بهادار را شوک‌های سیاسی آسیب پذیر کرد. به بانک‌ها منابعی اختصاص نمی‌یابد پس وضعیت مطلوب نیست. اعلام شده وثیقه دریافت نشود در صورتی که در خارج از کشور نتوانید به موقع وام را باز پس دهید وثیقه به حراج گذارده می‌شود. وام به صورت مرتب ارائه می‌شود اما بدون باز پرداخت! دولت هم که رحیم است و جریمه تأخیر دریافت نمی‌کند و حتی آگهی منتشر می‌کند مبنی بر این که اگر تا زمان معین، بدهی‌های معوقه پرداخته شود برای افراد تخفیف در نظر می‌گیرند این که

تعداد فروشگاه‌های خرده‌فروشی نسبت به جمعیت در ایران بالاتر است این امر تولید را گران می‌کند و منجر به بیکاری پنهان می‌شود.

### دیدگاه شما در مورد طرح تحول اقتصادی چیست و میزان موفقیت این طرح را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

تحولات اقتصادی به شرط آماده بودن شرایط مثبت است. به اعتقاد من یارانه‌ها باید نقدی و هدفمند شوند البته این امر زمانبر است. یعنی ابتدا باید پیش‌نیازها توسط دولت تعیین شوند.

نکته دیگر این که تمام مردم ایران در سرمایه‌های ملی سهیم هستند نه طبقه یا گروه خاص. مدتی است که بحث "سهام عدالت" از سوی دولت نهم عنوان شده است. فلسفه سهام عدالت صحیح است اما در صورتی که به درستی اجرا شود. در مورد خصوصی سازی هم باید بگویم که هدف افزایش کارایی است اما به نظر می‌رسد هدف از خصوصی سازی پر شدن خزانه دولت است و توجهی به کارایی صورت نگرفته است. خصوصی سازی روش‌های مختلفی دارد و باید واحدهای تولیدی به متخصصین هر صنعت واگذار شود تا به درستی هدایت شود.

### اشاره شد که در داخل کشور به تولید بپردازیم و میزان عرضه را افزایش دهیم. اما در شرایطی که تولید در داخل کشور مقرون به صرفه نیست و از سوی دیگر با فتح بازارهای کشور توسط محصولات چینی مواجه هستیم؛ چه دیدگاهی دارید؟

در کشورهایی مانند بلژیک، میزان GDP ۱۶۳ درصد است. یعنی یکسری از کالاهای با کیفیت را تولید و صادر می‌کنند و در ازای صادرات اقدام به واردات می‌کنند ما نیز حداقل باید یکسری تولیدات با کیفیت و دارای مزیت نسبی باشیم. در حال حاضر این منابع خدادادی کشور ماست که برای سایر کشورها ایجاد اشتغال می‌کند! پس باید بنگاه‌های کوچک و زودبازده را جهت صادرات تقویت و حمایت کنیم. مورد دیگر این که نباید تمام مشکلات اقتصادی را ناشی از دولت نهم بدانیم. اگر در کشور افراد از کمبود غذا، دارو و... در رنج هستند رشد اقتصادی هر میزان هم که باشد فایده‌ای نخواهد داشت. دولت باید وارد میدان شود، از ثروتمندان مالیات اخذ نماید و آن را به شکل یارانه به افراد نیازمند پرداخت نماید.

سال‌های ۱۳۷۴-۱۳۷۳ نرخ تورم به بی‌سابقه‌ترین میزان خود یعنی ۵۰ درصد رسید. در حال حاضر که این نرخ ۲۴ درصد است فشارهای متعدد اقتصادی وجود دارد پس ملاحظه کنید در سال‌های مورد اشاره چه اوضاعی در کشور حکمفرما بوده است. در آن زمان دولت نمی‌توانست شیر خشک و دارو وارد کند و رونق کسب و کار قاچاقچیان دارو و به وجود آمدن مرکز غیر قانونی فروش و عرضه دارو یعنی خیابان ناصر خسرو، نتیجه سیاست تعدیل اقتصاد است که آقای رفسنجانی هزینه آن را پرداخت.

آقای احمدی نژاد با شعار عدالت وارد میدان شد اما نه تنها شاهد عدالت نیستیم بلکه فقیران فقیرتر و ثروتمندان، ثروتمندتر شده‌اند! وی سیاست "توزیع عادلانه" را مطرح کرد و با همین شعار در انتخابات ریاست جمهوری پیروز شد. اما عملکرد وی با شعارهایش متفاوت است. یعنی نسبت به دوره قبل نرخ بیکاری و نرخ تورم افزایش یافته است. اما دلیل وقوع این امر چیست؟ واقعیت این است که آقای

احمدی نژاد از افزایش درآمد نفت استفاده درست به عمل نیامد و سیاست‌های نامناسب اقتصادی را در پیش گرفت. اقتصاد دانان مشاور و معتمد وی هم نمی‌دانستند اقتصاد ایران دچار چه معضلی است. مشکل اقتصاد ایران، رکود تورمی است. وقتی دچار رکود تورمی هستیم منابع مالی که به اقتصاد کشور تزریق می‌شود موجب افزایش بیکاری و تورم می‌شود. دولت نهم با خرج پول‌های اضافی و از آن سو با سیاست‌های واردات کالاهای نامناسب در زمینه صنایع نساجی، شکر و... دچار مشکلات متعدد شد و حتی نرخ بیکاری به مراتب افزایش یافت.

اقتصاد ایران وابسته است زیرا تمام مواد اولیه مورد نیاز واحدهای تولیدی از خارج کشور تأمین می‌شود. با دلار ۹۷۰ تومانی، قیمت هزینه‌هایی روند صعودی می‌یابد و در مقابل منحنی عرضه نزول پیدا می‌کند. در این صورت رکود تورمی ایجاد می‌شود و تنها راه نجات از رکود تورمی، کاهش اتکا به واردات است.

ایران تقابل صورت نمی‌گرفت آن را به سادگی از دست نمی‌دادیم. تورم تا زمانی که تولید کننده کالا و خدمات نباشید از بین نخواهد رفت. دولت آمریکا ۷۰۰ میلیارد دلار به منظور رفع تورم اختصاص داد و موفق شد تورم کشورش را مهار سازد. در حالی که کسری بودجه در ایران، اقتصاد را از رکود خارج نخواهد ساخت زیرا اقتصاد ایران غیر پویا است.

به دلیل اتخاذ سیاست‌های نادرست، کارآفرینان و نخبگان مهاجرت کرده‌اند و در خارج از کشور به فعالیت و کارآفرینی می‌پردازند. در گذشته تخصص و علم بسیار مهم بود اما در حال حاضر بدنیاال مدرک‌گرایی هستم.

باید نیروی کارآمد و با هوش را وارد فرآیند کار کنید تا تجربه کسب نمایند و توانایی مدیریت کارخانجات و واحدهای تولیدی را داشته باشند. سرمایه‌های انسانی در تئوری‌های رشد، نقش اساسی ایفا می‌کند. برای ساختن سرمایه انسانی باید تحقیق و توسعه را مد نظر



باید به جای ارائه طرح‌های نیمه تمام و بی‌فایده به دنبال یافتن حلقه‌های مفقوده صنایع باشیم و به جای واردات بی‌رویه در داخل کشور به تولید مواد اولیه بپردازیم.

مسأله اساسی دیگر، بخش خصوصی کشور است. قبل از انقلاب "گفش ملی" در تمام فروشگاه‌های معتبر دنیا عرضه می‌شد. یعنی یک سرمایه‌دار ایرانی بخش خصوصی با حمایت‌های دولت توانست کیفیت محصولات خود را طبق استانداردهای بین‌المللی افزایش دهد و وارد بازارهای جهانی شود. اما پس از انقلاب بخش خصوصی ما تمام بازارهای خود را در زمینه‌هایی همچون مانند پسته، فرش دستباف، داروهای گیاهی و امثالهم از دست داد. یکی از نکات تأسف برانگیز این است که اگر در بازار فرش دستباف

سیاستمداران است. آقای احمدی نژاد باید تصمیم بگیرد که تورم در اولویت است یا اشتغالزایی. وظیفه من به عنوان اقتصاد دان این است که نتایج عملکرد سیاستمداران را مورد تحلیل و بررسی قرار دهم. وظیفه ام این نیست که در مورد بهتر یا بدتر بودن عوامل اظهار نظر کنم و اگر اقتصاد دانی این اظهار نظر را انجام دهد به این معنا است که با اقتصاد آشنا نیست زیرا تصمیم‌گیری و اظهار نظر وظیفه سیاستمداران است.

آقای احمدی نژاد باید بررسی نماید که اگر تورم را مهار کند، این تورم قدرت خرید مردم را افزایش می‌دهد و در این صورت تقاضا برای نیروی کار افزایش می‌یابد.

### مشکلی در این میان وجود دارد، مثلاً درآمد یک کارمند ۱۰۰ هزار تومان در ماه است و با اتوبوس به محل کار خود می‌رود. اگر حقوق وی افزایش یابد به جای اتوبوس با تاکسی این مسیر را طی می‌نماید. در این صورت سودی برای تاکسیرانی ایجاد شده است اما منابع مالی آن کارمند کاهش می‌یابد. اگر درآمد وی افزایش یابد به جای استفاده از سیستم حمل و نقل عمومی اتومبیل خریداری می‌کند و سودی برای خودروساز ایرانی ایجاد می‌شود. (البته مقادیری هم به جیب خودروسازان خارجی سرازیر می‌شود). اما افزایش درآمد آن کارمند منجر به سرمایه‌گذاری نمی‌شود و فقط مصرف کننده است. این مسأله را چگونه ارزیابی می‌کنند؟

وقتی میزان تقاضا افزایش یابد ولی واحدهای تولیدکننده توان رفع این نیاز را نداشته باشند قیمت‌ها افزایش می‌یابد.

درآمد توسط تورم بلعیده و از قدرت خرید کاسته می‌شود. اگر درآمد مردم افزایش و تورم کاهش یابد تعداد کارخانه‌های تولیدی بیشتر می‌شود. تورم به دلیل عدم توانمندی کشور در تولید به وجود آمده است و در صورت کاهش تورم و از بین رفتن شوک‌های اقتصادی و سیاسی، امکان سرمایه‌گذاری تحقق پیدا می‌کند اما امروز منابع مالی به جای سرمایه‌گذاری جذب ساخت و ساز و مسکن می‌شود. سیستم اقتصادی کشور بیمار است و موجب افزایش تورم می‌شود. در این سیستم مصرف‌عده‌ای کاهش می‌یابد، حقوق بگیران با زیان مواجه می‌شوند و قدرت خرید آنها به متمولان انتقال می‌یابد. متأسفانه تبدیل به ملتی شده‌ایم که توانایی تولید کالای با کیفیت را نداریم. فرش، پسته و آمیوه ایران را با تقلب صادر می‌کنیم با این تصور که خارجیها متوجه تقلب نخواهند شد!

### پس بخشی از مشکلات ناشی به عدم توجه به کیفیت توسط بخش خصوصی و بخشی هم به ساختارهای دولتی باز می‌گردد؟

بله، به خصوص دولت و سیاست‌های نادرست آن. البته بحث دیگر گرایش‌های فکری مردم است. متأسفانه مردم در خرید و مصرف محصولات و کالاها عملکرد نادرستی دارند. مردم باید به این نگرش صحیح دست یابند بوی که به سختی به دست می‌آید باید به دقت و سنجیده مصرف شود نه بدون حساب و کتاب.

### با توجه به شرایط کشور و سیاست‌های پولی و مالی اتخاذ شده برای رسیدن به رشد و توسعه؛ کنترل تورم در اولویت است یا ایجاد اشتغال و توسعه منابع انسانی؟

وظیفه اساسی ما اقتصاد دانان تحلیل مسائل اقتصادی است. این که کدام عامل بهتر یا بدتر است وظیفه